

امام خمینی (ره) و تربیت فعال یا مؤثر

دکتر ایراندخت فیاض (کلبعلی)

زهره کلبعلی

استادیار دانشگاه شیراز

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

مقاله حاضر به بررسی دیدگاه‌های حضرت امام (ره) در باب تربیت فعال یا مؤثر از طریق پی‌جوی آثار، نوشته‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های ایشان به روش توصیفی - تحلیلی می‌پردازد و پس از بیان هدف، ضرورت و اهمیت تربیت از نظر حضرت امام به تعریف تربیت فعال و ذکر ویژگی‌های آن پرداخته شده و دیدگاه‌های حضرت امام (ره) در باب تربیت فعال را مورد بحث قرار داده و شاخص‌های تربیت فعال از نظر ایشان را بیان نموده است که اعم آن عبارتند از:

- ۱- تبیین‌پذیری و ارائه شاخص و معیار
 - ۲- توجه به انگیزه‌ها و تحرک درونی متربی
 - ۳- تقویت توان سنجش و ارزیابی
 - ۴- بسترسازی جهت التزام عملی
 - ۵- تقویت قدرت اراده و حس مسئولیت‌پذیری
 - ۶- فطری و طبیعی بودن
- و پس از ذکر ویژگی تربیت فعال از نظر حضرت امام (ره)، پیشنهادهای عملی برای نظام تعلیم و تربیت کشور بیان گردیده است.
- کلید واژه‌ها: تربیت فعال یا مؤثر، تربیت منفعل یا غیر مؤثر، تبیین‌پذیری، تحرک درونی، فطری بودن

مقدمه

مقاله حاضر به بررسی دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) در باب تربیت فعال یا مؤثر خواهد پرداخت. قابل توجه است که حضرت امام (ره) در زمینه تعلیم و تربیت به صورت درس و بحث رسمی، سخن نگفته‌اند، بلکه با بررسی نوشته‌ها، سخنرانی‌ها، نامه‌ها و کتب ایشان به شیوه توصیفی - تحلیلی، به تبیین تربیت فعال یا مؤثر، تعیین شاخص‌ها و معیارهای آن، پرداخته شده است تا ان شاء الله، تبیین اندیشه‌های تربیتی حضرت امام (ره) راهنمای فعالیت برنامه‌ریزان و سیاستگذاران تربیتی کشور قرار گرفته و با معیار حاصل از اندیشه‌های حضرت امام، فرصت بازبینی، اصلاح و ارزشیابی فعالیت‌های تربیتی گذشته و ترسیم خطوط آینده تربیتی نظام میسر گردد.

اهمیت، ضرورت، و امکان تربیت از نظر امام خمینی (ره)

حضرت امام (ره) بر این اعتقاد است که انسان این قابلیت را دارد که تربیت بشود (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲، ۱۳۷۷: ۲۳). از این رو در خصوص ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت می‌فرمایند: همه جمعیت دنیا احتیاج به تعلیم و تربیت دارند، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که من، دیگر احتیاج ندارم به اینکه تعلیم شوم و تربیت شوم، رسول خدا «ص» هم تا آخر احتیاج داشت، منتهی احتیاج او را خدا رفع می‌کرد (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۸، ۱۳۷۷: ۶۱).

حضرت امام (ره) استدلال می‌کند که انسان به علت ادراکات متفاوت و غایات غیرمتناهی نیاز به تربیت ویژه دارد: «انسان را وقتی ملاحظه می‌کنید، اول نشوش با سایر نباتات فرقی ندارد. نبات را، هسته خرما را، هسته چیز دیگر را می‌اندازند توی خاک و خاک تربیت می‌کند و آن نمو می‌کند یک جای خاصی که در آنجای

خاص نمو می‌کند. حیوان هم نطفه‌اش در رحم واقع می‌شود و یک بذری است. این بذر محلش آنجاست، یعنی جای تربیتش آنجاست. (حیوان) اول یک نباتی است، مثل سایر نباتات می‌ماند، با نباتات فرقی ندارد: آن (نبات) نمو دارد، آنها هم نمو دارند، منتهی آن در یک محل خاصی، و با جهات خاصی، نباتات در یک محل خاص دیگری با جهات خاصی، اما هر دو در این معنا مثل هم هستند که آن کشت شده است و این کشت شروع می‌کند به نمو کردن به واسطه قوایی که خدای تبارک و تعالی در زمین قرار داده است و به واسطه قوایی که در رحم قرار داده است. اینها با هم شرکت دارند. کم کم اینکه در زمین کاشته شده است، این نباتات، تا آخر همان نبات است این آخرش تا می‌رسد به ثمره. ثمره شان هم ثمره نبات است. آنهایی که در رحم کاشته شده‌اند، که حیوانات همه حیوانات من جمله انسان باشد، آنها کم کم از مرتبه نباتی بالا می‌آیند و در همان رحمی که هستند یک روح حیوانی پیدا می‌کنند، ممتاز می‌شوند از سایر موجودات نباتی، لکن همه ایشان حیوان‌اند، یعنی حس و حرکت دارند، روح حیوانی دارند. متولد در این عالم که می‌شوند و منفصل می‌شوند از محل خودشان، باز این یک امتیازی است که با نباتات دارند که نبات را اگر منفصل کنند دیگر تمام است. لکن اینها منفصل می‌شوند در آن وقتی که مقتضی است و آن جهت نباتیشان کمال پیدا می‌کند و جهت حیوانی پیدا می‌کند و همه حیوانات در خوردن، خوابیدن و شهوات و اینها شریک‌اند. انسان در بین این حیوانات ممتاز می‌شود به اینکه یک ترقیات دیگری می‌شود بکنند. هم در ادراکات با آنها (حیوانات) فرق دارد و هم در غایات ادراکات فرق دارد. حیوانات تا یک حدودی ادراکشان هست و محدود و تمام می‌شود، انسان ادراکاتش و قابلیتش برای تربیت تقریباً باید گفت غیرمتناهی است. پس انسان همه عالم را دارد با اضافه. ... در انسان

یک قوه عاقله و قوه بالاتر هست که در آنها نیست. اگر انسان مثل سایر حیوانات تا همان حدی که حیوانات رشد می کنند، بود، انبیا لازم نبود... اینکه احتیاج به انبیا داریم برای اینکه انسان مثل حیوان نیست که حد حیوانی داشته باشد و تمام بشود. انسان یک حد مافوق حیوانی و یک مراتب مافوق حیوانی، مافوق عقل دارد، تا برسد به مقامی که مثلاً نمی توانیم از آن تعبیر کنیم؛ و از آن مقام مثلاً تعبیر می کنند به «فنا»، تعبیر می کنند به «کالا لوهیه». یک تعبیرات مختلفی (امام خمینی (ره)، کوثر، ج ۲، ۱۳۷۳: ۸ و ۹).

امام (ره) علت ارسال رسل را نشان دادن راه هدایت و تربیت به انسان دانسته می فرمایند: «تمام تعلیمات انبیا برای مقصد نشان دادن راهی است که انسان ناچار از این راه باید عبور کند. ناچار انسان از این عالم طبیعت به یک عالم دیگری عبور می کند، اگر سرخود باشد یک حیوانی است که از این عالم به عالم دیگر می رود... تمام کوشش انبیا برای این بوده است که انسان را بسازند، تعدیل کنند، انسان طبیعی را مبدل کنند به یک انسان الهی (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۹، ۱۳۷۷: ۱۱).

با توجه به ضرورت جدی تعلیم و تربیت است که امام (ره) می فرمایند: «اینجانب خود را مسئول اسلام و ملت محترم می دانم تا در این امر حیاتی، باز تأکید و پافشاری می نمایم امیدوارم، همه دست اندرکاران امور تربیتی و آموزشی، تمام دولت مردان جمهوری اسلامی، همه روشنفکران متعهد، گویندگان، نویسندگان، و بالاخره فرد فرد ملت ایران که نزد خداوند قهار مسئول هستید در این امر که در رأس امور است نه تنها سهل انگاری نمایند که با جدیت و پشتکار برای هر چه غنی تر و بهتر شدن اساس آموزش و پرورش اقدام نمایند» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۳، ۱۳۷۷: پیام آغاز سال تحصیلی ۶۷/۷/۱). ایشان خطاب به متصدیان تعلیم و تربیت می فرمایند: از فرهنگیان، متصدیان تعلیم و تربیت، قضات و متصدیان دادگستری و دادگاه های

انقلاب می‌خواهم که به مأموریت بزرگی که به آنها سپرده شده و مسئولیت عظیمی که به عهده گرفته‌اند توجه نمایند... و نوباوگان و جوانان که امید ملت اسلام هستند، اماناتی بس بزرگ و شریفند که خیانت در آن، خیانت به اسلام و کشور است. و این نوباوگان و جوانانند که در آینده، سرنوشت کشور به دست آنان است و باید تربیت اسلامی در جمع مدارس به طور جدی اجرا شود تا کشور از آسیب مصون گردد (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲۰، ۱۳۷۷: ۳۲).

همچنین در خصوص امکان تربیت می‌فرمایند که: «تمام نکته آمدن انبیا این است که تربیت کنند این بشر را، که قابل از برای این است که تربیت بشود و مافوق حیوانات است (امام خمینی (ره)، کوثر، ج ۲، ۱۳۷۳: ۱۱). در جای دیگر می‌فرماید: «همه پیغمبرها که تشریف آورده‌اند، برای تربیت این بشر به همه ابعادش (امام خمینی (ره)، کوثر، ج ۱، ۱۳۷۳: ۴۹۸). و نیز می‌فرمایند: «انسان حیوان بالفعل است در ابتدای ورود به این عالم و در تحت هیچ میزانی جز شرعیت حیوانات که اداره شهوت و غضب است، نیست... اگر در تحت تأثیر مربی و معلمی واقع نشود پس از رسیدن به حد رشد و بلوغ یک حیوان عجیب و غریبی شود که در هر یک از شئون مذکوره (حیوانی) گوی سبقت از سایر حیوانات و شیاطین ببرد و از همه قوی‌تر و کامل‌تر در مقام حیوانیت و شیطنت شود و اگر بر همین حال روزگار بر او بگذرد... بلکه جمیع انوار فطریه او نیز خاموش گردد (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ۱۳۷۸: ۱۶۸ و ۱۶۹).

هدف تربیت از نظر امام خمینی (ره)

امام (ره) هدف تربیت را الهی شدن می‌داند و می‌فرماید: «تمام کوشش انبیا برای این بوده است که انسان را بسازند، تعدیل کنند، انسان طبیعی را مبدل کنند به یک

انسان الهی» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۸، ۱۳۷۷: ۸۲). ایشان وظیفه نظام تعلیم و تربیت را پرورش انسان مؤمن به خدا می‌داند و می‌فرماید: «اگر انسان متعهد درست گردید، انسان امین به انسان، معتقد به یک عالم دیگر، انسان معتقد به خدا، مؤمن به خدا، اگر این انسان در دانشگاه‌های شما و ما تربیت شد، مملکتان را نجات می‌دهد» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۷، ۱۳۷۷: ۶۳). امام (ره) تبیین می‌کند که: «انسان عبارت از این صورت ظاهر که می‌خورد و می‌آشامد و عرض می‌کنم که سایر کارهایی که سایر حیوانات هم انجام می‌دهند، این قدر نیست، با سایر حیوانات فرق‌ها دارد. این مقدار که می‌بینید که انسان در عالم طبیعت زندگانی می‌کند، سایر حیوانات هم دارند. در میان همه موجوداتی که در این طبیعت موجود هستند، انسان اختصاصاتی دارد که سایر موجودات ندارند... همه اینها محتاج تربیت است» (امام خمینی (ره)، کوثر، ج ۱، ۱۳۷۳: ۶۵۴).

حضرت امام (ره) در یکی از سخنرانی‌هایشان می‌فرمایند: «بعثت انبیا برای تربیت ماست که ما در آن ور که باید تربیت بشویم، جوری تربیت بشویم که آنجا هم زندگیمان زندگی سعادت‌مند باشد... انبیا آمده‌اند که ما را از این عالم طبیعت کم‌کم تربیت کنند و آن مقداری که مربوط به تربیت معنوی است به ما بفهمانند به وحی من الله تعالی، تا ما را ببرند به آن عالم و تقویت کنند که ما وقتی از این عالم منتقل به یک عالم دیگری شدیم، زندگی آن عالم هم یک زندگی سعادت‌مند باشد» (امام خمینی (ره)، کوثر، ج ۱، ۱۳۷۳: ۱۱). خلاصه آنکه امام هدف از تربیت را برگرداندن همه محسوسات و تمام عالم به مرتبه توحید می‌داند (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۸، ۱۳۷۷: ۴۳۴).

تقدم تربیت و تهذیب بر تعلیم

حضرت امام (ره) بر تربیت دینی بیش از تعلیم صرف تأکید دارند و می‌فرمایند: «در صورتی که امر دایر باشد بین علم و تربیت و اینکه کدام یک را رها کنیم؟ باید علم رها شود (امام خمینی (ره)، کلمات قصار، ۱۳۷۳: ۱۸۳). و استدلال می‌فرمایند که اگر علم و دانش و در کنار آن تربیت نباشد مضر است، تربیت کنید، مهم تربیت است، علم تنها فایده ندارد، علم تنها مضر است» (امام خمینی (ره)، کلمات قصار، ۱۳۷۳: ۱۸۳). چه که هر چه درس بخوانید و بخوانیم، اگر چنانچه به راه مستقیم نباشیم و مهار نکنیم معلومات خودمان را و مهار نکنیم نفس خودمان را و در راه مستقیم نگشیم نفس را، هر چه معلومات زیادتر بشود از انسانیت، انسان دورتر می‌شود (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۹، ۱۳۷۷: ۴). همچنین می‌فرماید: «نباید حالا که شما جوان‌های عزیز ما مشغول شده‌اید به علوم طبیعی یا مشغول شده‌اید به یک مجاهدتی که لازم است، دیگر کار به آن طرف نداشته باشیم. شما همین نیستید، همین رجل طبیعی نیستید، شما یک انسان هستید. انسان معنویات دارد، مادیات دارد مادیاتش اینهاست، معنویاتش هم باید کوشش کنید. شما باید عنایت کنید به همه احکام الهی... همه چیزهایی که نبی اکرم (ره) آورده برایش، قبول کند و عمل کند (امام خمینی (ره)، کوثر، ج ۲، ۱۳۷۳: ۱۴). و می‌فرمایند: «آنکه همیشه باید عرض کنم، این است که آقا خودتان را اصلاح کنید. به دنبال این باشید که تهذیب کنید خودتان را، اعمالتان را موافق با دستور کنید، اخلاق‌تان را موافق با دستور اسلام کنید، دستوری که خدا داده است که باید این جوری عمل بشود. دستور او وقتی عمل شد، یک مرد صالح می‌آید در دنیا، وزیر بشود صالح است، وکیل بشود صالح است، رئیس جمهور بشود صالح است، کاسب بشود صالح است، هر جا برود صالح است، خوب است،

آدم خوب هر جا برود، محیط خودش را خوب می‌کند (امام خمینی (ره)، کوثر، ج ۲، ۱۳۷۳: ۵۵۵). حبّ دنیا را از خودتان بیرون کنید که: «حبّ الدنیا راس کلّ خطیئه» (امام خمینی (ره)، کوثر، ج ۱، ۱۳۷۳: ۲۱۵). و می‌فرمایند: «عزیزان من توجه داشته باشید که در جند الهی وارد باشید. درس خواندن تنها انسان را در جند الهی وارد نمی‌کند. علم تنها، خصوصاً علم‌های قانونی - رسمی انسان را به مراتب انسانیت نمی‌رساند، باید باشد، لکن در جنب آن باید توجه به غیب باشد، درس را برای خدا بخوانید (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۸، ۱۳۷۷: ۲۶۹). ایشان می‌فرمایند گمان نکنید که درس خواندن بدون اینکه قرائت به اسم ربّ باشد برایتان فایده دارد. گاهی ضرر دارد، گاهی علم غرور می‌آورد، گاهی علم انسان را پرت می‌کند از «صراط مستقیم» و هر چه زیادت‌تر درس بخوانید دورتر می‌شوید اگر اعلم من فی الارض بشوید و به اسم ربّک نباشد، ابعّد از خدای تبارک و تعالی هستید، از صراط مستقیم بعیدتر می‌شوید (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۸، ۱۳۷۷: ۳۲۸).

حضرت امام (ره) استدلال مضاعف می‌آورد که هدف از تحصیل کسب مدرک برای تأمین معاش نیست، هر چند مغایر با آن نیز نمی‌باشد: «تحصیل همراه تهذیب، همراه تعهد و همراه اخلاق فاضله انسانی است که می‌تواند ما را به حیات انسانی برساند و می‌تواند کشور ما را از وابستگی نجات بدهد. اگر شما جوان‌ها دنبال تحصیل که می‌روید دنبال این معنا باشید که یک تصدیقی بگیرید، یک دیپلمی بگیرید و بروید آن را وسیله قرار بدهید برای استفاده مادی خودتان، این همان انحرافی است که آنها (دشمنان) می‌خواهند و اگر شما در مراکز می‌باشید که هستید یک ایده صحیح داشته باشید و یک غایت صحیح داشته باشید که برای رسیدن به آن مشغول تحصیل باشید و برای رسیدن به آن امری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد

و آن تهذیب نفس و پرستیدن الله و دوری کردن همه شرک‌ها و همه انحراف‌ها و الحادها از خودتان و از مرکزتان است. اگر این‌طور باشد شما پیروز خواهید شد» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲، ۱۳۷۷: ۱۳). ایشان در جای دیگری خطاب به جوان‌ها می‌فرمایند که: «شما جوانان تحصیل کرده مردان آتی و فردا... اگر عمیقاً توجه کنید پی خواهید برد که مهم‌ترین عامل انحطاط دوری و بی‌خبری از تعالیم واقعی و حیات بخش اسلام است. اسلامی که در تاریک‌ترین ادوار تاریخ مشعشع‌ترین تمدن‌ها را به وجود آورد و پیروان خود را به اوج عظمت و اقتدار و آقایی رساند (امام خمینی (ره)، کوثر، ج ۱، ۱۳۷۳: ۲۲۸). لذا: «کوشش کنید معنویت را تقویت کنید با معنویت است که شما می‌توانید استقلال خودتان را حفظ کنید و به مراتب کمال برسید» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۷، ۱۳۷۷: ۲۰۵).

حضرت امام (ره) بر این اندیشه است که چنانچه تربیت اسلامی و دینی مورد اهتمام دول اسلامی قرار گیرد. برآیند آن این خواهد بود که متریب اسیر تجاوزگران صهیونیست و مرعوب فانتوم آمریکا و ... نمی‌شوند وی می‌فرماید: اگر دول اسلامی و ملل مسلمان به جای تکیه بر بلوک شرق و غرب به اسلام تکیه می‌کردند و تعالیم نورانی و رهایی بخش قرآن کریم را نصب العین خود قرار داده و به کار می‌بستند امروز اسیر تجاوزگران صهیونیست و مرعوب فانتوم آمریکا و منفور اراده سازشکارانه و نیرنگ بازی شیطان شوروی واقع نمی‌شد. (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲، ۱۳۷۹: ۴۸۷).

عام بودن تربیت

حضرت امام(ره) در خصوص فراگیر و عام بودن تربیت می‌فرمایند: «باید شما دیگران را هم تربیت کنید، همه اشخاص که در هر مرکزی هستند باید آن مرکز را به صورت یک تعلیم‌گاه در بیاورند، همان‌طور که در صدر اسلام آن که رئیس دولت بود و آنکه سردار بود، سردار لشکر بود، با اعمال خودشان مردم را تربیت می‌کردند باید ما که دعوی این را داریم که مسلمان هستیم و تابع اولیای اسلام هستیم، باید ما هم با کردار و رفتار خودمان مردم را تربیت کنیم» (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۲، ۱۳۷۹: ۴۰۰).

همچنین حضرت امام(ره) می‌افزاید: «ما باید همه قشرها را تربیت کنیم، شماها باید در مجلس که می‌روید علاوه بر اینکه مسائلی که مطرح می‌شود که مورد احتیاج ملت است، باید آنها را در آن طرح کنید و با سلاح اخلاق اسلامی وارد بشوید و با آن سلاح مردم را تربیت کنید. که وقتی چند سال از مجلس گذشت در مردم آثار گفتگوهای شما و مناظرات شما پیدا باشد... باید شما دیگران را هم تربیت کنید (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۲، ۱۳۷۹: سخنرانی ۵۹/۳/۱۵).

حضرت امام(ره) در نگاه همه‌گیر به امر تربیت به همه ابعاد تربیت توجه داشته و می‌فرمایند: «انبیاء آمده‌اند برای تربیت انسان، تا تمام ابعاد را ترقی دهند، جنبه علمی را، همه ابعاد علم، جنبه اخلاقی، همه ابعاد اخلاق، تهذیب نفس، وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا، که سرمنشاء همه کمالات وارسته شدن نفس از تعلقات است و بدبختی هر انسان تعلق به مادیات است... انبیاء هم برای همین دو جهت آمده بودند: بیرون کردن مردم از تعلقات و تشبث به مقام ربوبیت» (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۸، ۱۳۷۷: ۲۶۷). البته حضرت امام(ره) در عین اهتمام جدی به همه ابعاد تعلیم

و تربیت در همه سنین و همه اقسام جامعه، معتقد است تربیت می‌بایست از قبل از مدرسه و از خانه آغاز شود: «دامن مادر بزرگ ترین مدرسه‌ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود، آنچه که بچه از مادر می‌شنود، غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود، مادری یک وظیفه انسانی است... یک امر شریف است، انسان درست کردن است (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۷: ۷۶). در همین راستا خطاب به مادران می‌فرماید: «همه مسئولید، همه مسئولیم، شما مسئول تربیت اولاد هستید، شما مسئولید که در دامن خود اولاد متقی بار بیاورید و به جامعه تحویل دهید (امام خمینی(ره)، نشریه زنان، ش ۶۳، ۱۳۸۵).

از نظر حضرت امام(ره) خدمت مادران به جامعه از خدمت معلم بالاتر است (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۸، ۱۳۷۷: ۲۳۹). زیرا اگر از دامن مادر این تربیت خوب شروع شود و مادر بچه را خوب تربیت کرد و به دبستان تحویل داد، آنجا هم همین طور تا دانشگاه یا مدارس علمی دیگر، آنها هم خوب تربیت کردند یک وقت در یک برهه از زمان می‌بینید که جوان‌ها، همه خوب از کار درآمده‌اند، یک مملکت را به طرف خوبی می‌کشاند (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۹، ۱۳۷۹: ۱۳۴). به همین دلیل بر تربیت کودکان تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «هر کدامتان بچه دارید تربیت کنید، تربیت الهی بکنید، تربیت شیطانی نکنید. هر کدام که به مدرسه می‌روید، چه به مدرسه که می‌روید تربیت الهی بشوید. هر کدام معلم مدرسه هستید تربیت کنید بچه‌ها را تربیت الهی» (امام خمینی(ره)، کوثر، ج ۳، ۱۳۷۳: ۲۹۴). در جای دیگر می‌فرماید قوانین و آداب الهی را در امر تربیت فرزندانان به کار بگیرید: «دستور شرعی است که چه جور اشخاصی باید برای همسری انتخاب بشود و بعد هم که ازدواج واقع شد در حال ازدواج هم تکلیف هست. آن وقتی که بناست نطفه‌ای انعقاد

بشود آداب دارد. همه برای اینکه رشد پیدا بشود آن وقتی که وقت حمل مادر است، آن وقتی که بچه می آید به دنیا، آدابی دارد کیفیت معاشرت مادر با آن بچه تکلیف این مادر با آن بچه باز یک چیزی دارد. هر چه بچه بزرگ تر می شود، تکلیف پدر و مادر نسبت به او زیادتر می شود و تا اندازه که پدر و مادر می توانند تربیت کنند، اینها مکلفند بر تربیتش. بعد به یک جایی می رسد که تربیت از تربیت پدر و مادری می گذرد و تربیت معلمی می شود، آنها هم همه اش آداب الهی دارد. تا آن وقت که خود انسان مستقل بشود باز قوانینی هست (امام خمینی (ره)، کوثر، ج ۱، ۱۳۷۳: ۴۹۸).

از نظر حضرت امام (ره) امر تربیت یک پیوستاری را تشکیل می دهد که مراحل قبل از تولد، تولد، مدرسه، دانشگاه... با هم یک زنجیره ای را تشکیل می دهند، و تحقق تربیت اسلامی در هماهنگی همه مراحل و موقعیت های تربیت از قبل از تولد تا مرگ است. بدین معنا که خانواده، مدرسه و جامعه می بایست همسو و هم جهت در امر تربیت ایفای رسالت نمایند. حضرت امام (ره) در این راستا می فرماید: مادران و پدران توجه داشته باشند که آنان از هر کس مؤثرتر برای نجات فرزندان شان از گرداب جهل و فساد می باشند به همین جهت دلسوزانه و متعهدانه با اساتید فرزندان شان در تماس باشند و آنان را در این مهم یاری دهند و از آنان یاری گیرند (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۷، ۱۳۷۹: پیام به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۳/۷/۳). و تأکید می فرماید: «امروز باید پدران و مادران مواظب رفتار فرزندان خویش باشند که در صورت مشاهده حرکات غیرعادی آنان را نصیحت نماید» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۵، ۱۳۷۹: ۲۴۳).

همچنین امام (ره) برای معلم نیز جایگاه ویژه ای قائل هستند: «شغل شما انسان سازی است، معلم، انسان درست می کند، همان شغل انبیاء است، انبیاء آمدند، از اول

هر نبی آمده است تا آخر، فقط شغلش این بوده است که انسان درست بکند، تربیت بکند... پیغمبر اکرم (ص) معلم همه بشر است، بعد او، حضرت امیر(ع)، باز معلم همه بشر است، آنها معلم همه بشر هستند، شما هم معلم یک عده هستید شغل همان شغل است (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۲، ۱۳۷۹: ۴۹۰). و می‌افزایند: نقش معلمی، نقش مهمی که همان نقش تربیت است که اخراج از ظلمات به سوی نور است (همان). استدلال ایشان در باب اهمیت دوره مدرسه در این است که دوره مدرسه مهم‌تر از سال‌های بعدی زندگی است چه که در دوران کودکی و نوجوانی رشد عقلی انسان شکل می‌گیرد ایشان می‌فرمایند: «دوره مدارس، مهم‌تر از دانشگاه است، زیرا رشد عقلی بچه‌ها در این دوره شکل می‌گیرد و دانشگاه دیر است» (امام خمینی (ره)، کوثر، ۱۳۷۳: ۱۵۴).

تربیت مؤثر یا فعال از دیدگاه امام خمینی (ره)

پس از طرح ضرورت و اهمیت تربیت حال باید دید تربیت مؤثر در دید حضرت امام (ره) چه معنایی دارد. «تربیت» واژه‌ای گسترده و چند پهلوست، برای روشن شدن تربیت فعال از منفعل، شایسته است ابتدا شاخص‌ها و ویژگی‌های تربیت فعال را از بعد ایجابی و سلبی معین نماییم تا تفاوت آن با تربیت منفعل روشن گردد و سپس روشن شود که منظور حضرت امام خمینی (ره) از تربیت چیست؟ کدام یک از دو نوع تربیت مورد اهتمام ایشان می‌باشد؟

تصور غالبی که در اذهان، از مفهوم تربیت شکل می‌گیرد این است که تربیت عبارت است از: «ایجاد تغییرات مطلوب در نسل جدید» (شریعت‌مداری، ۱۳۷۷). در عین حال که این مفهوم تا حدود زیادی قابل قبول می‌نماید اما از آنجا که روش مورد

استفاده در تربیت، در شکل دهی نوع تربیت اعم از فعال یا منفعل تأثیر می گذارد، لذا مفهوم تربیت تنها به ایجاد رفتارها، حالات و افکار معین در افراد محدود نمی شود. بلکه چگونگی ایجاد این تغییرات نیز در مفهوم تربیت ملحوظ است (نقیب زاده، ۱۳۷۵).

تربیت منفعل، ملاحظات روش خاصی را ایجاد می کند که هیچ یک بطور دقیق با تربیت به معنای فعال انطباق ندارد و مرزهای مشخصی را بین این دو نوع تربیت ایجاد می نماید از جمله اینکه تربیت منفعل مبتنی بر طبیعت متربی نیست. در این نوع تربیت، طبیعت درونی به هیچ رو به عنوان بنیاد و اصلی که باید از آن پیروی کرد نگریده نمی شود، بلکه هدف هایی که «مربی» برگزیده است و دگرگونی هایی که از پیش تعیین شده اند، اصل شمرده می شوند. از اینجاست که چه بسا میان طبیعت از یک سو و هدف های تعیین شده از سوی دیگر، ناسازگاری هایی نمایان می شود و کار آموزش و پرورش به صورت ستیزه با طبیعت درمی آید و تربیت به «بار آوردن» فرو کاسته می شود که بیشتر با فرمان دادن، تحمیل کردن، شکل دادن، پدید آوردن عادت ها و در نتیجه با محدود کردن فعالیت آزاد طبیعی و تکیه بر اطاعت بی چون و چرا همراه است (نقیب زاده، ۱۳۷۵).

بدین معنا که تغییراتی که از نظر مربی مطلوب است به کمک عادت، تلفیق و تحمیل در متربی ایجاد می گردد. تغییرات ایجاد شده، هر چند خود مطلوب اند، اما به دلیل ملاحظات روش شناختی خاص تربیت محسوب نمی شود و بیشتر جنبه «بار آوردن و عادت دادن دارد.» «عادت دادن» در معنای مطروحه در متون تربیتی بر «تکرار» استوار است. از طریق فراهم کردن تکرار یک رفتار (مانند نماز خواندن) و پدید آوردن عادت ها، می توان آن رفتار را در فرد تثبیت نمود. عمدتاً در این روش

آگاهی و بینش ملحوظ نشده است و فرد خود نسبت به تغییراتی که قرار است در وی ایجاد شود بصیرت و آگاهی نمی‌یابد. «تلقین» هم بر «هیبت» استوار است. هنگامی که کسی سخنی یا اندیشه‌ای را نه به سبب استواری و معقولیت آن، بلکه تنها به دلیل هیبت گوینده آن می‌پذیرد، تن به تلقین سپرده است. «تحمیل» نیز برای ایجاد تغییرات مورد نظر استفاده می‌شود. تحمیل آشکارا بر «زور» استوار است، با واداشتن افراد به کاری و مجازات نمودن آنها در صورت تخلف، می‌توان شاهد انجام آن کار توسط آنها بود.

اما ویژگی‌ها و شاخص‌های عمده در تربیت فعال یا مؤثر عبارتند از:

۱- تبیین‌پذیری و ارائه شاخص

مراد از «تبیین»، این است که فرد، خود نسبت به تغییراتی که قرار است در وی ایجاد شود بصیرت و آگاهی یابد. در این صورت مربی تنها به ایجاد تغییرات در رفتار و حالات فرد نمی‌پردازد بلکه باید علاوه بر آن، بینشی در فرد نسبت به این تغییرات فراهم آورد.

در تربیت فعال، «تبیین» یک عنصر ضروری است، حال آنکه تربیت منفعل بر «عادت، تلقین و تحمیل» مبتنی است و هیچ‌یک از این ویژگی‌ها مستلزم فراهم آوردن تبیین برای فرد نیست. به عنوان مثال اگر مراد از تربیت ایجاد تغییر مطلوب مثل «نماز خواندن» در مربی باشد در تربیت منفعل، شیوه‌های «تکرار، تلقین و تحمیل» استفاده خواهد شد و نیازی به تبیین نیست و سخنی در این مورد که نماز برای چه خوانده می‌شود، چرا نماز خواندن بر فرد واجب شده است و به طور کلی فلسفه خواندن نماز چیست؟ به میان نخواهد آمد. بلکه صرفاً شرایطی را ایجاد

می‌کنیم که فرد در معرض کاری چون نماز قرار گیرد و آن کار را انجام دهد. در تربیت منفعل، تربیت، چرا بردار و تبیین پذیر نیست.

در تربیت فعال، مربی باید بخشی از شأن تربیتی خود بداند که درباره تغییراتی که می‌خواهد در مربی ایجاد نماید، روشنگری و استدلال نماید و بصیرت لازم را در فرد، نسبت به چرایی، دلیل یا حکمت تغییری که قرار است در وی رخ دهد، برای او فراهم نماید.

حضرت امام(ره) در این زمینه می‌فرمایند: «فطرت انسانی برای هر مطلبی که واضح نیست دلیل طلب می‌کند، همین طوری قبول نمی‌کند (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۳، ۱۳۷۷: ۴). فطرت انسانی این طوری است که مطلبی را همین طوری قبول نمی‌کند. تا هر چه گفت فوراً قبول کند. این طور نیست بلکه اگر مطلبی را به او تبلیغ کردند یا مطلبی را گفتند این دلیل می‌خواهد که به چه دلیل شما یک همچو مطلبی را، مثلاً می‌گویید (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۳، ۱۳۷۷: ۳). و باز می‌فرمایند: انسان موجودی است که اگر بخواهد با حقایق آشنایی پیدا کند باید به استدلال آن را بپذیرد و برای آن اقامه استدلال می‌کند در غیر این صورت از فطرت انسانی خارج است. حضرت امام(ره) بصیرت داشتن را نشانه انسانیت دانسته می‌فرمایند: «انسان با روح انسان است، با بصیرت انسان است، ما همه، با همه حیوانات شرکت داریم در اینکه گوش داریم، چشم داریم، پا داریم، دست داریم، اما این مناط انسانیت نیست. آنی که انسان را از همه موجودات جدا می‌کند، از همه موجودات طبیعی جدا می‌کند، آن قلب انسان است، آن بصیرت انسان است، شما بصیرت داشته باشید انسانید (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۸، ۱۳۷۷: ۴۶۲). و می‌افزایند که انسان دارای یک عقل بالامکان، مجرد و بعد هم مجرد تام خواهد شد

(امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲، ۱۳۷۷: ۲۲۷). یعنی انسان بالقوه از کیفیتی به نام عقل برخوردار است که این استعداد ذاتی می‌تواند در محیط مناسب بالنده شود. از این روست که امام (ره) می‌فرماید معلم می‌بایست مطالب‌اش را برهانی و به صورت استدلالی به مرتبی بفهماند تا مرتبی آماده پذیرش آن گردد. بنابراین به زعم حضرت امام (ره) یکی از شاخص‌های اصلی تربیت که از ویژگی‌های اساسی تربیت فعال است، «تبیین پذیری» آن است، به همین دلیل ایشان وظیفه نظام تعلیم و تربیت را پرورش توان تبیین و عقل‌ورزی در انسان دانسته و استدلال می‌کند که: بدان! که اول شرط مجاهده با نفس و حرکت به جانب حق تعالی، تفکر است (امام خمینی (ره)، چهل حدیث، ۱۳۷۸: ۵۶).

همچنین می‌فرماید: اگر فهمید (منظور مرتبی است) حرفش (منظور معلم است) حق است یا برهان اظهار کند و مطالب‌اش را برهانی بفهماند. (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۴، ۱۳۷۷: ۳۰ و ۷۳). یعنی اینکه مرتبی در صورتی حرف معلم را می‌پذیرد که احساس نماید حرف معلم حق و مبتنی بر استدلال منطقی است. امام (ره) سخن غیرمنطقی یا عصیبت غیرعقلانی را اخلاق فاسده برشمرده می‌فرماید: «عصیبت از اخلاق فاسده و ملکات رذیله‌ای است که منشاء بسیاری از مفاصد اخلاقی و اعمالی می‌گردد و خود آن فی نفسه مذموم است گرچه برای حق باشد و یا در امر دینی باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴۶).

امام (ره) براساس احادیث اهل عصمت و طهارت، خلق عصیبت را از مهلکات و مویقات و موجب سوء عاقبت و خروج از ایمان می‌داند و آن را از زمائم اخلاق شیطان دانسته استدلال می‌کند که همان‌طور که معصوم می‌فرماید: «کسی که عصیبت کشد یا به عصیبت کشیده شود، گشاده شود ریسمان ایمان از گردن او» و باز روایتی

دیگر از امام صادق (ع) می‌آورد که فرمودند: کسی که عصیت کشد ببندد خداوند بر او سربچی از آتش» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۱۴۸).

پس از نظر امام (ره)، دامنه تبیین از روشن ساختن دلیل و حکمت یک رفتار یا حالت معین تا به دست دادن قواعد و معیارهای کلی گسترش یافته است. همچنین روشن است که با در دست داشتن معیارهای کلی امور مطلوب و نامطلوب و شناسایی آن، امکان ارزیابی و سنجش را برای متربی فراهم می‌آورد.

البته علاوه بر تبیین، ارائه شاخص نیز یکی از مسئولیت‌های مهم مربی است زیرا شاخص‌ها و معیارها همچون تیزابی هستند که عیار تربیت بر آن اساس تعیین می‌شود. شاخص‌ها می‌توانند هر نوع وضعیت مطلوب یا نامطلوب را در جریان تربیت مشخص سازند. از این رو تربیت مستلزم قرار دادن شاخص در اختیار متربی است. یعنی متربی نه تنها باید دلیل و حکمت رفتار یا حالتی را که در وی پدید می‌آید بداند، بلکه باید قواعد امور مطلوب و نامطلوب در جریان تربیت را بشناسد تا امکان ارزیابی برای وی فراهم گردد.

۲- توجه به انگیزه یا تحرک درونی

تربیت فعال بر انگیزه‌ها و تحرک درونی متربی مبتنی است. تربیت در این معنا فرآیندی است که در آن باید در درون فرد تحولی رخ دهد و او با انگیزه‌ای روشن بداند که چگونه رفتار کند، چگونه ببیند و چه خصوصیتی داشته باشد.

در تربیت منفعل که مبتنی بر تلقین، تکرار و تحمیل است، موتور حرکت در بیرون از فرد قرار دارد و متربی به ظرف میان تهی شبیه است که مربی می‌بایست ظرف وجود او را پر نماید. در این شیوه تربیت، تا زمانی که عامل الزام از بیرون جریان دارد، رفتار مذکور صورت می‌پذیرد. در این نوع تربیت، ذهن نقش انفعالی و بی‌اثر

دارد و در نهایت به طور جبری، نسبت به نیروهای خارجی یا محرک بیرونی، ماشین وار پاسخ می دهد. در این نوع تربیت، رفتار پیچیده آدمی در مدار بسته (محرک - پاسخ) که اساس نظریه رفتارگرایی است خلاصه می شود. حضرت امام (ره) هم به انگیزه درونی و هم بیرونی توأمان در امر تربیت توجه دارند و می فرمایند: شخص هم مانند یک جامعه می ماند، یک قوه ای می خواهد هدایت کند و یک قوه عامله می خواهد که عمل کند، یک محصل فعال می خواهد، یک عقل نظری می خواهد و یک مکمل عملی می خواهد، ادراک کند، تا هدایت کند، همین انسان خودش را به اینکه در راه آن مقصدی که دارد عمل کند (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۴، ۱۳۷۷: ۳۰).

۳- تقویت توان سنجش و ارزیابی

سنجش و ارزیابی و سپس انتخاب و عمل، یکی دیگر از ویژگی های تربیت فعال است. هنگامی که متربی فلسفه اعمال و شاخص های رفتارهای صحیح و مطلوب را باز شناخت و از انگیزه های درونی در حرکت خویش برخوردار گشت، آمادگی سنجش و ارزیابی هم نسبت به محتوای آموزشی و هم نسبت به مربی، بدست می آورد.

انسان به واسطه وجود قوه عقل، توان تمیز، بازشناسی و سنجش و ارزیابی امور را دارد بنابراین نظام تعلیم و تربیت می بایست با اهتمام به این ویژگی متربی توان سنجش و گزینش و عمل را در او فراهم آورد. امام خمینی (ره) در این زمینه می فرمایند: «عقل چیزی است که به واسطه آن انسان می تواند امور مختلف را از هم تمیز داده، مقایسه کند و مورد ارزیابی قرار دهد» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱، ۱۳۷۷: ۵۰). همچنین خطاب به دانشجویان مسلمان مقیم آمریکا و کانادا می فرمایند: «مبادا

قرآن مقدس و آیین نجات بخش اسلام را با مکتب‌های غلط و منحرف کننده‌ای که از فکر بشر تراوش کرده است خلط نمایند» (امام خمینی (ره)، کوثر ج ۱، نامه ۵۱/۴/۲۲). یعنی با دقت و تیزبینی به سنجش و تمیز آموزه‌های دینی و غیردینی پردازید تا مبادا چنانچه بین آیین اسلام و مکتب‌های الحادی خلطی صورت گرفته باشد آن را تشخیص داده و حذف و اصلاح نمایند.

همچنین امام (ره) در باب اهمیت عقل ورزی می‌فرماید: «بدان که وهم و غضب و شهوت ممکن است از جنود رحمانی باشند و موجب سعادت و خوشبختی انسان گردند، اگر آنها را تسلیم عقل سلیم و انبیاء عظیم الشان نمایی و ممکن است از جنود شیطان باشند اگر آنها را سرخود گردانی و «وهم» بر آن دو قوه با اطلاق عنان حکومت دهی» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶).

۴- بستر سازی جهت التزام عملی

التزام درونی، متضمن انتخاب نسبت به چیزی و پایبندی نسبت به آن است، در التزام عملی، عنصر عاطفه نقش اساسی بازی می‌کند. بدین معنا که وقتی مرتبی، حکمت انجام عملی را دریافت و شاخص‌های رفتار مطلوب را در دست داشت و امکان سنجش و ارزیابی نیز برای او وجود داشت و از انگیزه درونی نسبت به آن عمل هم برخوردار گردید، التزام عملی نسبت به رفتار خاص پیدا می‌نماید. التزام عملی جز در سایه تربیت فعال تحقق پذیر نیست. حضرت امام (ره) در نامه ۵۱/۴/۲۲ می‌فرماید: «بر شما جوانان ارزنده اسلام که مایه امید مسلمین هستید لازم می‌باشد که در... شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید. تعالیم مقدس قرآن را بیاموزید و به کار بندید با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به مدل دیگر و پیشبرد آرمان‌های بزرگ اسلام بکوشید، برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و برزسی

مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید، مهذب و مجهز شوید، متحد و متشکل شده و صفوف خود را فشرده سازید. (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲، ۱۳۷۹: ۴۸۱)

۵- تقویت اراده و پرورش حس مسئولیت پذیری

تربیت فعال قادر است قدرت اراده انسان را تقویت نماید و انسان را مسئولیت پذیر بار آورد، زیرا نیروی محرک در تربیت فعال از درون مرتبی است نه از بیرون. از این رو نظام تعلیم و تربیت بایستی انسان را به گونه‌ای تربیت نماید که خود را مسئول اعمالش بداند، حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «هر کاری که انسان عهده‌دار شد، مسئول آن کار است، مسئول است، در اینکه به راستی و امانت عمل کند و مسئول است در اینکه با جدیت و فعالیت عمل کند» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۷، ۱۳۷۷: ۱۵۲). همچنین می‌فرمایند: «زندگی در دنیای امروز زندگی در دنیای اراده است و سعادت و شقاوت هر انسانی به اراده اوست. اگر می‌خواهید عزیز و سر بلند باشید باید از سرمایه‌های عمر و استعدادهاى جوانی استفاده کنید با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید که زندگی: پیر چتر علم و آگاهی آن قدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها آن قدر خاطره آفرین و پایدار است که همه تلخی‌ها و ناکامی‌های دیگر را از یاد می‌برد» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲۱، ۱۳۷۷: ۲۵). از این رو به نسل جوان تأکید می‌کند که: «با جدیت به تحصیل علوم و کسب معارف و بهره‌وری از استعدادهاى الهی خود پردازند» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۹، ۱۳۷۷: ۲۹۷).

به زعم امام (ره) علاج مفاسد اخلاقی نیز به نیروی اراده صورت می‌پذیرد ایشان می‌فرماید بهترین علاج‌ها که علمای اخلاق و اهل سلوک برای مفاسد اخلاقی فرموده‌اند این است که هر یک از این ملکات زشت را که در خود می‌بینی در نظر

بگیری و برخلاف آن تا چندی مردانه قیام و اقدام کنی و همت بگماری برخلاف نفس تا مدتی و بر ضد خواهش آن رذیله رفتار کنی و از خدای تعالی در هر حال توفیق طلب کنی که با تو اعانت کند در این مجاهده، مسلماً بعد از مدت قلیلی آن خلق زشت رفع شده و شیطان و جندش از این سنگر فرار کرده، جنود رحمانی به جای آنها برقرار می شود» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۲۵). در صفحه ۱۲۶ همین کتاب می فرماید: «اگر اراده تام و تمام شود و عزم قوی و محکم گردد، مَثَل مُلْکِ بَدَنِ و قوای ظاهره و باطنه آن مَثَلِ مَلَائِکَةِ اللَّهِ شود که عصیان خدا نکنند، به هر چه آنها را امر فرماید اطاعت کنند و از هر چه نهی فرماید منتهی شوند، بدون آنکه با تکلف و زحمت باشد... و بدان ای عزیز که عزم و اراده قویه در آن عالم خیلی لازم است و کار کن است. میزان یکی از مراتب بهشت، که از بهترین بهشت هاست، اراده و عزم است که انسان تا دارای اراده نافذ و عزم قوی نباشد دارای آن بهشت و مقام عالی نشود و کسی که اراده اش تابع شهوات حیوانی باشد و عزمش مزده و خمود باشد به این مقام نرسد.

۶- فطری و طبیعی بودن

ویژگی دیگر تربیت فعال فطری و طبیعی بودن است، امام خمینی (ره) در این باب می فرماید: از اول بنا بوده است که یک اخلاق صحیح انسانی که برای انسان صالح است آن را تربیت کنند به آن اخلاق، به آن عقاید و تمام اعمالی که دستور داده اند، همه اش برای این است که این را تربیت کنند که به آن مقصدی که بر حسب فطرت دارد (فطرت الله التي فطر الناس علیها) این فطرت توحیدی، فطرت خدای جویی است در همه هست (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۳، ۱۳۷۹: ۳۹۷). در چهل حدیث صفحه ۱۸۰ می فرماید: «مقصود از فطرت الله، که خدای تعالی مردم را بر آن

مفطور فرموده، حالت و هیبتی است که خلق را بر آن قرار داده، که از لوازم وجود آنها و از چیزهایی است که در اصل خلقت خمیره آنها بر آن مخمر شده است و فطرت‌های الهی... از الطافی است که خدای تعالی به آن اختصاص داده بنی انسان را از بین جمیع مخلوقات، و دیگر موجودات یا اصلاً دارای این گونه فطرت‌هایی که ذکر شد نیستند یا ناقص‌اند و حضّ کمی از آن برده‌اند. در ادامه نیز می‌فرماید: «باید دانست که از فطرت‌های الهی، یکی فطرت بر اصل وجود مبداء، تعالی و تقدس است و دیگری بر توحید و دیگری فطرت بر اجتماع آن ذات مقدس است جمیع کمالات را و دیگری فطرت بر یوم رستاخیز است و دیگر فطرت بر نبوت است و دیگری فطرت بر وجود ملائکه و روحانین و انزال کتب و اعلام طرق هدایت است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۱۸۲). لذاست که در قرآن کریم که در رأس تمام مکاتب و تمام کتب است، آمده است که انسان را بسازد، انسان بالقوه را انسان بالفعل و موجود بالفعل کند. تمام دعوت انبیا هم، حسب اختلاف مراتب برای همین معناست که انسان ناقص را کامل کند (امام خمینی (ره)، کوثر، ج ۱، ۱۳۷۳: ۲۷۹).

نتیجه‌گیری

خلاصه آنکه مقاله حاضر پس از طرح روش فعال (مؤثر) به بیان معیارها و شاخص‌های روش مؤثر یا فعال پرداخت و سپس نظرات حضرت امام خمینی (ره) را در خصوص تربیت مورد بررسی قرار داد و معین‌گشت که از برآیند سخنرانی‌ها، نامه‌ها و نوشته‌های حضرت امام (ره) می‌توان استنباط نمود که روش آموزشی مورد نظر ایشان، روش فعال (مؤثر) می‌باشد. با توجه به نظرات حضرت امام خمینی (ره) در باب تربیت فعال می‌توان مواد ذیل را استنباط نمود:

با توجه به شاخص‌های تربیت فعال (اعم از تبیین‌پذیری، معیاردهی، توجه به انگیزه و تحرک درونی، سنجش و ارزیابی، تقویت قدرت اراده و مبتنی بودن فطرت و نهایت التزام عملی) پیشنهاد می‌گردد نظام تعلیم و تربیت رویکرد غیرفعال فعلی حاکم بر نظام تعلیم و تربیت که عمدتاً بر «عادت دادن غیرآگاهانه، تمرین و تکرار و تحمیل مبتنی» است و صرفاً بر انتقال اطلاعات و حافظه‌مداری اتکا دارد به رویکرد فعال که مبتنی بر «تبیین و نقادی، اندیشه‌ورزی و تحرک درونی، مسئولیت‌پذیری، تقویت اراده و عنایت به التزام عملی» است تغییر یابد.

متناظر با اهمیتی که حضرت امام (ره) به جایگاه خانه، مدرسه و جامعه در امر تربیت قائل است، پیشنهاد می‌گردد رویکرد موضوعات مجزا که در حال حاضر بر نظام تعلیم و تربیت کشور حاکم است و متناظر با این رویکرد، انتظار داریم دانش‌آموز از طریق درس دینی (معارف) متدین بار آیند، به رویکرد تلفیقی، استعلا یابد. بدین معنا که هم به تأثیرات برنامه پنهان مدرسه بر تربیت دانش‌آموزان و هم اثرات جامعه بر آنها اهتمام جدی‌تری مبذول گردد. تا پیوستگی تربیت از تولد تا مرگ حفظ گردد.

با عنایت به اهتمام حضرت امام (ره) به اهمیت خانواده در امر تربیت، پیشنهاد می‌گردد دست‌اندرکاران و سیاستمداران تعلیم و تربیت کشور ترتیبی اتخاذ نمایند تا کمیت و کیفیت هماهنگی و ارتباط خانه و مدرسه ارتقاء یابد و خانواده‌ها در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و تربیتی مدرسه دخالت داده شوند و در جهت ارتقاء سواد تربیتی خانواده تلاش گردد.

با توجه به نقش مهمی که معلم در امر تربیت از نظر حضرت امام (ره) دارد پیشنهاد می‌گردد تبیین روشن‌تری از اهداف تعلیم و تربیت برای آنان صورت پذیرد.

نظام تعلیم و تربیت می‌بایست به سمت و سوی تغییر جهت دهد تا قدرت اراده و حس مسئولیت‌پذیری را در دانش‌آموزان تقویت نماید.

با توجه به اهتمام حضرت امام(ره) بر جنبه فطری و طبیعی بودن تعلیم و تربیت، تلاش گردد تا نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر طبیعت دانش‌آموزان بنا گردد و از تحمیل بیرونی پرهیز گردد.

محتوای برنامه درسی و روش آموزش متناسب با رویکرد تربیت فعال و پویا مجدداً مورد بازبینی قرار گیرد و اصلاحات لازم متناظر با رویکرد فوق صورت پذیرد.

منابع

- امام خمینی(ره) (۱۳۷۱). *چهل حدیث*. ج. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- امام خمینی(ره) (۱۳۷۳). *کوثر، مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی(ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره). ج ۱ و ۲ و ۳
- امام خمینی(ره) (۱۳۷۳). *کلمات قصار*. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار حضرت امام(ره).
- امام خمینی(ره) (۱۳۷۷). *صحیفه نور*. ج. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- امام خمینی(ره) (۱۳۷۸). *صحیفه نور*. ج. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- امام خمینی(ره) (۱۳۷۹). *صحیفه نور*. ج. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- مرکز مطالعات تربیت اسلام (۱۳۷۹). «تربیت اسلامی ویژه تربیتی دینی»، کتاب دوم.
- نقیب زاده، عبدالحسین (۱۳۷۵). «نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش»، انتشارات طهوری.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۷). *اصول فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- دفتر مطالعات زنان ریاست جمهوری (۱۳۸۵). *نشریه زنان*، شماره ۶۳.





پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېنډي
پرتال جامع علوم انساني